
بودنبروکها

زوال یک خاندان

توماس مان

مترجم
علی اصغر حداد



نقره ماه

تهران

۱۴۰۱

Thomas Mann
Buddenbrooks
(*Verfall einer Familie*)
Fischer Buchverbindung, 1967.

Mann, Thomas

مان، توماس، ۱۹۵۵، ۱۸۷۵ م. بودنبروکها (زوال یک خانواده) / توماس مان، مترجم علی اصغر حداد. - تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۲.
ISBN 978-964-7948-02-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).
عنوان اصلی:
۱. داستانهای آلمانی... قرن ۲۰ م. الف. حداد، علی اصغر، ۱۳۳۳. - مترجم، ب. عنوان.

۸۳۳/۹۱۲ P1۲۶۳۷/ب۸

۱۳۸۲ ب ۱۷۲

۱۳۸۲

م ۸۱-۲۶۵۰۹

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه

کتابخانه

۱۵۷۰۲۳۲

۱۴۱۱۲۹

یادداشت‌ها
(زوال یک خاندان)

نویسنده	مترجم
چاپ باروم	تیراز
چاپ اول	چاپ اول
۱۴۰۱ هجری	۱۰۰۰ نسخه
زمستان ۱۳۸۳	
حسین سجادی	مدیر هنری
مصطفی حسینی	ناظر چاپ
زرگین صفوان	حروفنگار
نیکو آسگیان	صفحاتآرا
آرمنا	لیتوگراف
صوبیر	چاپ جلد
آرمنا	چاپ متن و جلد

شابک ۹۷۸-۹۶۲-۷۶۲۸-۰۲-۹

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشر ماهی

تهران، خیابان انقلاب، رویه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۲

تلفن و دیننگار: ۰۲۱ ۸۸۰۱۸۸۰

www.nashremahi.com



تقدیم به فرشتگانی که بی‌گوش
او این ترجمه سامان نمی‌گرفته.

توماس مان در ششم ژوئن ۱۸۷۵ در لویک به دنیا آمد. پدرش، سناتور هاینریش مان، به تجارت غله اشتغال داشت. مادرش، یولیا داستیلوا خود پدري آلمانی و مادری برزیلی داشت. انضباط هائزایی و خلقت و خوبی دیگرگونه‌ی جنوبی: تعلق خاطر پدر و مادر به دو دنیای متفاوت در شکل‌گیری شخصیت توماس مان تأثیر ماندگاری به جا گذاشت. این تأثیر که از جمله در نام قهرمانان او بازتاب می‌یابد (تونو کروگر، پائولو هوفمن، آدریان لورکون)، به‌منابهی عنصر تنش‌آفرین میان شهروند و هنرمند، میان انسان سالم - عادی و شخصیتی متفاوت، در تمامی آثار او دیده می‌شود.

توماس مان، این سناتورزاده‌ی لویکی، پس از مرگ زود هنگام پدر، همراه مادر و چهار برادر و خواهر خود رهسپار مونیخ شد و تا زمان مهاجرت به آمریکا این شهر را جز برای سفرهایی به ایتالیا ترک نکرد. ولی در تمام زندگی مقیاس سنجش دوری‌ها و نزدیکی‌هایش لویک باقی ماند. در سال ۱۹۳۴، پس از مهاجرت به سوئیس در نامه‌ای نوشت: «از لویک که می‌آیی، دیگر فرقی نمی‌کند در مونیخ زندگی می‌کنی یا زوریخ. بیگانگی این یکی ژرف‌تر از آن یکی

توماس مان در سال ۱۸۹۷ در سن بیست و دو سالگی با بهره‌گیری از سرگذشت خانواده و پدران خود نگارش بودنیروک‌ها را آغاز کرد. بودنیروک‌ها عنوان فرعی «زوال یک خاندان» را بر خود دارد. توماس مان در این اثر با قلمی حاکی از محبت به قهرمانان خود، وقوع این زوال را در گستره‌ای به درازای چهار نسل شرح می‌دهد و قانونمندی این روند را آشکار می‌کند. توماس مان بر این عقیده است که این زوال با زندگی از یک‌سو و تلطیف روح و اندیشه از سوی دیگر در ارتباط است. از این لحاظ بودنیروک‌ها با نانورالیسم و تفکر دکارتس رایج در آغاز قرن بیستم قرابت دارد. توماس مان خود این اثر را تنها میان نانورالیستی درخور توجهی می‌داند که به زبان آلمانی نوشته شده است و ژرف‌ترین محتوای آن را روان‌شناسی می‌داند، روان‌شناسی زندگی‌ای که توشن و شوآن خود را از دست داده است.

توماس مان در سال ۱۹۲۹ به پاس نگارش این زمان جا براهی ادبی نوبل دریافت کرد.



اشعاری را که در فصل یکم، بخش ششم، فصل پنجم، بخش پنجم و فصل هشتم، بخش یکم آمده است، کامران جمالی به نظم در آورد. از او و نیز از دکتر محمد مبشری و رضا رضایی که به ویژه در زمینه‌ی اصطلاحات موسیقی از راهنمایی‌هایشان برخوردار شدم، از جان و دل سپاسگزارم.

علی اصفرحناد